

نگاهی گذرا بر رفتارهای فردی و اجتماعی ما در تقابل با دموکراسی

طاهره شیخ الاسلام



اکنون به عاملی در جهت تثبیت این نظام ها و به عبارت دیگر مانعی در جهت دستیابی ما به دموکراسی شده است. در مورد رفتارهای ما نیز همین مسأله صادق است. در این نوشتار مجدداً با شرح چند خاطره/اتفاق به این مقوله می پردازم.

- ناآشنایی با بسیاری از امور در شروع تحصیل و تحقیق در یک کشور خارجی موجب تماس های فراوان استاد راهنما با دانشجو بخصوص در

آدم از بی بصری بندگی آدم کرد
گوهری داشت ولی نذر قباد و جم کرد
یعنی در خوی غلامی ز سگان پست تر است
من ندیدم که سگی پیش سگی سر خم کرد

«اقبال لاهوری»

در نوشتار «زبان و دموکراسی» دیدیم که چگونه زبان گفتاری ما که ساخته و پرداخته نظام های خودکامه در طول تاریخ بوده است خود

جواب‌های قانع‌کننده‌ای برای این سوالات پیدا کنیم با سعی بسیار این کار را ترک کردیم.

احترام و نمودهای مختلف آن

در جوامع طبقاتی:

در جوامعی که در آن قانونی از حقوق فردی و اجتماعی شهروندان دفاع نمی‌کند، افراد مجبور می‌شوند که در جهت تنازع بقای خویش به قدرتمندتر از خود باج دهند. این باج دهی هم از طریق زبانی و هم از طریق رفتاری خود را نشان می‌دهد. موارد زبانی آن همانگونه که در نوشتار «زبان و دموکراسی» آمد شامل:

- استفاده از واژه‌هایی چون آقا، خانم، جناب، جناب آقا، سرکار خانم، عالیجناب، حضرت عالی، سرکار عالی، به جای «شما»، تنها کلمه‌ای که در جوامع انسان سالار بطور معمول بین احاد مردم به کار می‌رود.

- استفاده از کلماتی چون بنده، حقیر، چاکر، نوکر، مخلص و غیره به جای «من»، تنها کلمه‌ای که برای خطاب به خویشان در جوامع انسان سالار به کار می‌رود.

- استفاده از القاب و عناوینی چون دکتر، مهندس، رئیس،



مدیر و ...

- استفاده از کلماتی چون تشریف نداشتید به جای نبودید، شرفیاب شدید به جای آمدید، و فرمودید به جای گفتید، بنده نوازی کردید به جای خوشحالمان کردید و ده‌ها کلمه و جمله دیگر چون قربان شما، مخلصم، کوچکم، فدایتان شوم، کوچک شما هستم، و می‌باشد.

و موارد رفتاری آن شامل انجام اعمالی چون بلند شدن در هنگامی که فردی وارد می‌شود، تعظیم کردن، باز کردن در و حق تقدم را در ورود و خروج به اصرار به او دادن و ... می‌شود.

این اعمال که در طول تاریخ و در جهت «رفع خطر، کسب منفعت و یا به دست آوردن حمایت» و بطور کلی از سر ترس در برابر قدرتمندتر از خود انجام می‌شده، در پوشش احترام قرار گرفته و به همین جهت به تمامی افراد جامعه تسری یافته است. چرا که جوامع طبقاتی را می‌توان به صورت مخروطی مجسم کرد که انسان‌ها در هر کجای آن که قرار داشته باشند، فرادستانی دارند که باید به آنها ادای احترام کنند و زیر دستانی که باید از آنها احترام ببینند. رفتن ترس در زیر پوشش زیبا و مخملین احترام

روزها و هفته‌های اول می‌شود. اولین باری که استاد راهنمای من و دانشجوی ایرانی هم اتاقم نزد ما آمد، به رسم احترام از جای خود بلند شدیم و او که از آداب و رسوم ما خبر نداشت اجازه جلوس صادر نکرد! نتیجتاً ما تا زمانی که او در اتاق بود در حالت ایستاده با او صحبت می‌کردیم. او رفت و ما هنوز کاملاً ننشسته بودیم که از نیمه راه برگشت تا چیزی را به ما یادآوری کند و ما دو نفر دوباره به حالت ایستاده قرار گرفتیم. در تکرار این آمد و رفت او و بلند شدن‌های ما بود که فکر کردم اگر کسی از دور ما را مشاهده کند تصور خواهد کرد که دکمه‌ای در آستانه در اتاق نصب شده و این دکمه به فنری در روی صندلی ما وصل است به طوری که تا پای کسی به این دکمه فشار وارد می‌کند، فنر می‌جهد و ما را بلند می‌کند. از این فکر خنده‌ام گرفت و این گونه ادای احترام ناگهان در چشمم تمسخرآمیز جلوه کرد.

در تداوم این فکر و با توجه به کارهایی که ما در راستای ادای احترام انجام می‌دهیم سوالاتی به شرح زیر از ذهنم گذشت:

چرا نشستن بی‌احترامی است و چرا بلند شدن احترام محسوب می‌شود؟

چرا تعظیم کردن احترام تلقی می‌شود؟

چرا دراز کردن پای بی‌احترامی و دست بر سینه گذاشتن احترام

است؟

این سوالات را با دانشجوی دیگری در میان گذاشتم. برای او نیز اتفاق تقریباً مشابهی روی داده بود که از زبان خود او نقل می‌کنم:

- در اوایل ورودم به دانشگاه وقتی به همراه استاد راهنمایم به آزمایشگاه‌ها و بخش‌های مختلف دانشگاه می‌رفتیم به هر دری که نزدیک می‌شدیم من سرعتم را زیاد می‌کردم تا قبل از استاد به در برسم، و آن را باز می‌کردم و منتظر می‌شدم تا اول او وارد یا خارج شود. یکروز استادم به من گفت که این کار من او را به یاد دربارهای سلطنتی می‌اندازد و رفتاری که کارکنان و خدمه با اعضای خانواده سلطنتی می‌کنند و از من راجع به علت آن سوال کرد. من در جواب او گفتم که با انجام این عمل به او احترام می‌گذارم. او از من پرسید:

«تقدم در ورود یا خروج از یک در از چه اهمیتی برخوردار است. چه فرقی می‌کند که کدام یک از ما اول داخل یا خارج شویم؟ این مسأله چه ارتباطی با احترام دارد و اگر به فرض محال هم داشته باشد چرا تو فکر می‌کنی که از من کمتر شایسته احترام هستی؟»

این هموطن سپس چنین ادامه داد: چون نتوانستم

ما به ابزاری در جهت نشان دادن ارادت و احترام تبدیل شده است و همگان نیاز و انتظار مورد احترام قرار گرفتن دارند و کنار گذاشتن آنها اگر محال نباشد چندان آسان هم نیست.

قابل ذکر است افراد خاصی نیز در فرهنگ ما مشمول احترام خاص و بدون قید و شرط می باشند، از آن جمله سالمندان یا سپید مویان، والدین و استادان و معلمین هستند که نگاهداشتن حرمت این افراد همیشه به ما توصیه شده است.

در رابطه با این توصیه ها از زبان مولانا بشنویم که می گویند:

«پیر، پیر عقل باشد ای پسر
نه سپیدی موی اندر ریش و سر
ای بسا ریش سیاه و مرد پیر
ای بسا ریش سپید و دل چو قیر»

(مثنوی، دفتر چهارم)

طبیعتاً اگر توصیه به حرمت سالمندان می شده نه به خاطر سپیدی مو بلکه به خاطر تجربیات زیادتر و دانش بیشتر و مهمتر از آن به کارگیری این تجربیات در حل مشکلات مردم و بویژه جوانان بوده است. هر چند باید گفت امروزه که همه چیز با سرعت نجومی در حال تغییر و دگرگونی است همین حرمت نیز دستخوش نوعی اضمحلال شده و به نظر می رسد که دیگر پیران فرزانه چیز زیادی برای عرضه به نوجوانان نداشته باشند، زیرا که با رجوع به اینترنت و با اشاره یک انگشت، انبوهی از اطلاعات در هر زمینه‌ای از فلسفی و ادبی، پزشکی و اجتماعی گرفته تا امور مربوط به بچه داری و آشپزی پیدا می شود و عصاره تجربه و دانش بشری به صور گوناگون به راحتی و با زبانی ساده در اختیار همگان قرار دارد. ناگفته نماند که «رعایت حال» سالخوردهگان، بیماران، معلولین و کودکان و رسیدگی بیشتر به آنان که در تمامی جوامع از جمله جوامع انسان سالار معمول و مقبول است از مقوله «احترام»

بسیار هوشمندانه صورت گرفته است، به این دلیل که «ترس» از فرادست یک هیولا در نظر مجسم می کند و از فرودست یک بُزدل و این احساس نامطلوبی در هر دو طرف به وجود می آورد، اما «احترام» از فرادست، یک موجود محترم یا مراد و از فرودست، یک انسان مودب و مُرید می سازد که نه تنها نامطلوب نیست بلکه دلپذیر هم هست.

با کمی دقت می توان دریافت اعمالی که در قالب احترام انجام می گیرد تغییر از وضعیتی راحت به وضعیتی کمتر راحت یا ناراحت است. مثلاً اگر شما دراز کشیده‌اید برای احترام به شخصی که وارد می شود بلند می شوید و به حالت نشسته و یا ایستاده قرار می گیرید، اگر نشسته‌اید و پایتان دراز است پایتان را جمع می کنید، اگر نشسته‌اید و پاهایتان هم جمع است بلند می شوید و می ایستید، و اگر ایستاده اید دست خود را بر سینه گذاشته و تعظیم می کنید. بوسیدن دست و در حالت شدیدتر، بوسیدن پاها احترام/ترس بیشتری را نشان می دهد. علت این امر اینست که در وضعیت راحت بودن در خور و شایسته بزرگان و اربابان قدرت و وضعیت ناراحت خاص ضعفا و زبردستان است.

تغییر مجدد از وضعیت ناراحت به وضعیت راحت معمولاً منوط به اجازه فردی است که به هر دلیلی مورد احترام/ترس قرار گرفته است.

فراموش نیز نباید کرد که تعظیم مشابه رکوع و پایبوسی مشابه سجود در نماز است. طبیعی است کسانی که خود را خدایگان یا سایه خدا می دانسته‌اند انتظار داشته‌اند که همان اعمالی را که انسان در هنگام عبادت در برابر خداوند انجام می دهد در برابر آنها نیز انجام دهد. عادت دست بر سینه نهادن بسیاری از ما و تا اندازه‌ای خم شدن در هنگام سلام و احوال‌پرسی حتی با دوستان و نزدیکان به نشان احترام از بقایای همان رابطه ارباب - رعیتی است.

به دلیل اینکه رفتارها و گفتارهای مذکور در جامعه



نمی دانند. به بیان دیگر فرد تقریباً فقط می تواند در مقابل هم سطحان خویش راحت باشد. اما هم در مقابل کسانی که او را شایسته احترام می دانند و هم در برابر کسانی که آنان را محترم می شمارد باید ماسکی بر چهره بگذارد و اساترین و لذت بخش ترین موهبت زندگی که «خود بودن» است را وا نهد. (۱)

توجه داشته باشیم که این عادات و آداب که اینگونه ما را در خود تنیده اند، دیگر نه چندان ربطی به سیستم‌های حکومتی دارند و نه رد پای ابر قدرت‌ها را در آن می‌توان دید. تنها نگاه دقیق ما به گفتارها و رفتارهایمان در لحظه لحظه زندگی روزانه مان و آگاهی از علت آنهاست که می‌تواند راهی از این دایره معیوب به بیرون ایجاد نماید و جاده را برای رسیدن به دموکراسی و عدالت اجتماعی هموار نماید.

پانویس:

۱- البته این بدان معنی نیست که مردمان جوامع مدرن تحت هیچ فشار اجتماعی نیستند. آنها از زنجیرهای ابتدایی و زنگ‌زده آداب و رسوم قبیله‌ای و ناپایر قرون وسطایی خود آزاد شده‌اند اما به‌طور حتم در محدوده باید و نبایدهای دیگری قرار گرفته‌اند. چیزی که هست تعداد این باید و نبایدها و فشار این هل و زنجیرها بر گرده روح و روان آنها بسیار کمتر است.

جداست. در این جوامع، احترام (برخورد انسانی و درست) خاص همگان است و کوچک و بزرگ، زن و مرد، عارف و عامی، سیاه و سفید نمی‌شناسد. مردمان پرورش یافته در جوامع مدرن احترام را در دولا و راست شدن در مقابل یکدیگر، بلند و کوتاه شدن، قربان صدقه رفتن، تعریف و تمجیدهای دروغین، دادن هدیه های گرانقیمت، پختن غذاهای رنگارنگ برای مهمان ها، استفاده از عناوین و القاب، دست بوسیدن و ... نمی‌دانند بلکه با قضاوت نکردن و برچسب نزدن به یکدیگر، دخالت نکردن به کار و زندگی یکدیگر، وقت شناسی، خوش قولی، ضایع نکردن حقوق همدیگر و در یک جمله در آزار نرساندن به یکدیگر احترام خود را نشان می‌دهند؛ همانی که حافظ حدود هفتصد سال پیش به ما نیز توصیه کرده است:

مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن

که در طریقت ما غیر از این گناهی نیست.

به علاوه در جوامع انسان سالار این اعتقاد وجود دارد که احترام ویژه را باید کسب کرد. به عبارت دیگر هر چیزی که دست‌یابی به آن در گرو تلاش و کوششی نباشد احترام خاصی را طلب نمی‌کند. به‌عنوان مثال بالا رفتن سن منوط به انجام کار و تلاش خاصی نیست و هر کسی اعم از ظالم و مظلوم، گناهکار و بی‌گناه، دانا و نادان با گذشت زمان سنی افزون و مویش سپید می‌شود و یا صرفاً به دلیل والد بودن کسی از احترامی برخوردار نیست چرا که متعاقب یک رابطه جنسی هر کسی می‌تواند پدر یا مادر شود، بلکه این احترام، پدران و مادرانی را شامل می‌شود که در تهیه وسایل معیشت فرزندان و پرورش عاطفی و تربیت نیکوی آنان می‌کوشند. به عبارت دیگر نه بهشت زیر پای مادری خواهد بود که ارضای لذات دنیوی خویش را مقدم بر تربیت و مراقبت از فرزندانش قرار می‌دهد و نه احترام در خور پدری که از تهیه وسیله معاش و تربیت فرزندانش غافل است و گاه کانون خانواده را با رفتارهای خشونت بارش برای فرزندانش به جهنم تبدیل می‌کند.

ناگفته نباید گذاشت آنچه را که ما در راستای ابراز بعضی از این احترامات خاص فدا می‌کنیم حق و عدالت است. به عنوان مثال در آنجا که بحثی بین شاگرد و معلم، پدر و فرزند، و یا پیر و جوانی در گرفته و حق با شاگرد، فرزند و یا جوان است.

مقوله ارزشمند دیگری نیز که در ازای این به اصطلاح احترامی که جوامعی چون جامعه ما به ثروت، سن، مدرک و مقام می‌گذارد از دست می‌رود، همان «خود بودن» شخص است؛ بدین معنی که او دیگر نمی‌تواند آن‌گونه که دلش می‌خواهد باشد و زندگی کند. به دلیل آن «تفاوت در برخورد»، یعنی «احترام»، شخص در چهارچوبی قرار می‌گیرد که خارج از آن هیچ چیز را برانزده او

Smart Accounting Inc.

خدمات حسابداری، مالیاتی، و دفتر داری
Accounting, Payroll, Tax, Bookkeeping

انجام کلیه امور مالیاتی، مسابذاری شرکت‌ها و اشخاص
با استفاده از پیشرفته‌ترین سفت‌اوارها و نرم‌افزارهای کامپیوتری
توسط با تجربه‌ترین متخصصین این امور با بیش از ۱۵ سال سابقه

- Provide Business startup services
- Corporate, Partnership, Sole proprietor Business Returns
- Limited Liability Companies - Federal and Multi-State
- Individual Tax Preparation - Federal and Multi-State
- Accounting and Bookkeeping
- Payroll and Financial Statements
- Payroll & Business Tax Fillings- Federal & Multi-State
- Profit and Loss Reports
- General Ledger and Cashbooks
- IRS and State Tax audit and presentation

713-783-9100

مشاوره رایگان

Ask for Fery Seirafi

800 Wilcrest Dr. Suite 250
Houston, TX 77042

Office: 713-783-9100

Fax: 713-783-9106

smartaccounting@yahoo.com